



## بررسی جایگاه تحلیل گفتمان انتقادی در فلسفه تعلیم و تربیت

### بهبود یاری قلی<sup>۱</sup>، معصومه امیری<sup>۲</sup>

#### بیان مساله

تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۳</sup>، شاخه علمی بین رشته‌ای در زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. در این راستا تحلیل گفتمان انتقادی «زبان» را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتاری نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد. تحلیل گفتمان انتقادی از ره آوردهای تفکر پسانوگرایی است که به خصوص ریشه در آراء میشل فوکو دارد. این رویکرد معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به وجود می‌آورد (آفاگل زاده، ۱۳۹۰). گرچه نحله‌های مختلفی در تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد، اما در همه آنها سه مفهوم انتقاد، قدرت و ایدئولوژی وجود دارد. این روش زمانی پا به عرصه می‌گذارد که زبان در نظریه اجتماعی از اهمیت به سزایی برخوردار است و بنا بر عقیده نظریه پردازانی چون فوکو و هابرماس در تولید و بازتولید جامعه و ساخت قدرت نقش محوری دارد (وداک، ۱۹۹۵). از این رو، تحلیل گفتمان انتقادی نوعی از تحلیل گفتمان به شمار می‌رود که مطالعاتش بر روش‌های سوء استفاده از قدرت، تسلط و نابرابری توجیه شده تاکید دارد که از طریق متون سیاسی و اجتماعی باز تولید شده است (ون داک، ۱۹۹۸). حوزه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی را می‌توان یکی از ارکان بازتولید فرهنگ خاص و قدرت دانست. به همین علت در طول دهه اخیر، محققان حوزه تعلیم و تربیت، گرایش

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.  
 Behboud1362@gmail.com

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.  
 amiry\_masome@yahoo.com

<sup>۳</sup> . Critical Discourse Analysis



زیادی به تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان رویکردی برای پاسخ به سوال‌ها در ارتباط بین زبان و تعلیم و تربیت، بکارگیری زبان برای جهت‌دهی نوع خاصی از تعلیم و تربیت و نقش‌های زبان در امر تعلیم و تربیت از خود نشان داده‌اند (روگرس، 2004). استفاده از روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت، موضوعی است که در کشور ما به آن توجهی نشده است. معرفی و تشریح روش‌های مختلف تحلیل گفتمان انتقادی و نوع کاربرد آن در این حوزه از اهم موضوعاتی است که به باید بدان پرداخت. استفاده از این رویکرد تحقیقی می‌تواند منجر به روشنگری و ایضاح مفاهیم کاربردی در تعلیم و تربیت گشته و به تحقق اهداف تصریح شده هر فلسفه تعلیم و تربیتی یاری رساند. نکته حائز اهمیت دیگر، استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روشی در امر آموزش است که یکی از اهرم‌های جامعه دموکراتیک به شمار می‌رود (گی، 1996).

### سئوالات پژوهش

- 1- تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان یک روش بر چه مبانی فلسفی استوار است؟
- 2- چه ارتباطی بین استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت با عقلانی شدن فرایند تعلیم و تربیت وجود دارد؟
- 3- چگونه می‌توان تحلیل گفتمان انتقادی را به عنوان روشی در امر آموزش مورد استفاده قرار داد؟

### چارچوب نظری

تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و تجلی آن‌ها در زبان علاقه‌مند است. به عبارت دیگر هدف تحلیل گفتمان انتقادی، بررسی انتقادی نابرابری اجتماعی آن گونه که در زبان به کار می‌رود و این کاربرد مستمر موجب شکل‌گیری تبعیض و مشروعیت آن می‌شود، می‌باشد (ونداک، 1995).



رویکردهای مختلف در تحلیل گفتمان انتقادی:<sup>1</sup>

1- گفتمان و زبان به مثابه کردار اجتماعی (نورمن فرکلاف): اهداف این رویکرد کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و کمک به افزایش آگاهی نسبت به این که چگونه زبان در سلطه یابی و سلطه پذیرد قشری بر قشر دیگر نقش دارد. سه مرحله تحلیل گفتمان انتقادی از نظر کلارک عبارتند از: الف: توصیف ب: تفسیر ج: تبیین.

آن چه در نظریه فرکلاف قابل بحث و بررسی بوده و علاوه بر آن در حوزه تعلیم و تربیت نیز دلالت‌هایی دارد، مفاهیم طبیعی شدگی<sup>2</sup> در گفتمان است. اگر گونه گفتمان طوری بر نهادی مسلط باشد که سایر گونه‌های مسلط کاملاً سرکوب شوند یا جزئی از آن گردند، این مساله موجب نمی‌شود تا آن گونه گفتمان، استبدادی به نظر برسد، بلکه باعث می‌شود طبیعی و مشروع دیده شود (آقا گل زاده، 1386).

2- انگاره اجتماعی - شناختی<sup>3</sup> (تو ون دایک): از نظر ون دایک گفتمان در مفهوم گسترده، به رویدادی ارتباطی اطلاق می‌شود که شامل تعاملات گفتاری، متن نوشتاری، حرکات دست و صورت، تصاویر و سایر دلالت‌های نشانه شناختی است. نکته مهم روش‌شناسی در کار ارزشمند وندایک آن است که وی معتقد است؛ تحلیلگران گفتمان انتقادی باید موضع سیاسی و اجتماعی روشن و شفافی داشته باشند؛ آن‌ها باید دیدگاه، اصول و اهداف خود را تشریح کنند. ون دایک اظهار می‌دارد: تحلیل گفتمان انتقادی منکر سوگیری نمی‌شود و بسیار آشکار موضع سیاسی و اجتماعی خود را مشخص می‌سازد و از آن دفاع می‌کند یعنی تحلیل گفتمان انتقادی سوگیری دارد و به خاطر آن به خود می‌بالد.

3- رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی به گفتمان (روث وداک): این رویکرد برگرفته از دیدگاه‌های مکتب فرانکفورت و به ویژه هابرماس است. اصلی‌ترین هدف وداک به کارگیری عملی تحقیق انتقادی است؛ از جمله عرضه کردن رهنمودهایی برای استفاده از زبان غیر

<sup>1</sup> - تقسیم بندی برگرفته شده از: رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، دکتر فردوس آقاگل زاده و مریم سادات غیاثیان.

<sup>2</sup> . Naturalization

<sup>3</sup> . Sociocognitive model



تبعیض آمیز در برخورد با زنان و رهنمودهایی درباره چگونگی برقراری ارتباط مناسب معلم با دانش آموز.

باید گفت با وجود تفاوت‌هایی که در رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی به چشم می‌خورد، همه هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن نشان دادن رابطه دیالکتیک میان زبان، قدرت و ایدئولوژی و نقش موثر زبان در تجلی قدرت و مشروعیت بخشی به روابط نابرابر اجتماعی است زیرا ایدئولوژی حاکم بر اثر کاربرد مستمر در زبان، بدیهی فرض می‌شود و طبیعی و پذیرفتنی به نظر می‌آید. بر همین اساس تحلیل گران گفتمان انتقادی بر آنند تا با آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژی موجود در متون زبانی، طبیعی زدایی کنند و با این کار ناخودآگاه افرادی را بیدار سازند که ناآگاهانه موجب تثبیت و مشروعیت ایدئولوژی می‌شوند (آقاگل زاده، 1386).

## روش

جهت انجام این پژوهش ابتدا از روش توصیفی-تحلیلی برای تشریح تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است و سپس دلالت‌های این روش در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## یافته‌ها

تحلیل گفتمان و نظریه‌ی گفتمان ریشه‌های قوی در سنت‌ها و دیدگاه‌های نظری-بالاخص مکتب فرانکفورت و پست مدرنیسم-گذشته دارد. در عین حال رویکردی نسبتاً نو در تحلیل سیاسی است. نظریه‌ی تحلیل گفتمان از رویکردهای نویسندگانی همچون «آنتونیو گرامشی» و «لوئی آلتوسر» استفاده کرده، ایده‌ها و مفروضات خود را از نظریه‌پردازان پسا ساختارگرایی مانند «میشل فوکو» و «ژاک دریدا» اقتباس می‌کند. حوزه‌های مورد توجه تحلیل گفتمان بسیار گسترده است، و پژوهش‌گران از آن در زبان‌شناسی، ارتباطات، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... استفاده می‌کنند. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش - ارتباط بین استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت با عقلانی شدن فرایند تعلیم و تربیت- از یافته‌های پژوهش چنین برمی‌آید که هر چه



فرایند تعلیم و تربیت مبتنی بر آگاهی و شناخت باشد، یادگیری خلاقانه، رهایی بخش و آزاد اتفاق می‌افتد. تحلیل گفتمان انتقادی اساساً باید به ابعاد گفتمانی سوء استفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن بپردازد. تحلیل گفتمان انتقادی اساساً به بررسی مسائل مهم اجتماعی علاقه‌مند است، و می‌کوشد که از طریق تحلیل گفتمان درک بهتری از آن‌ها ارائه دهد. در نتیجه متون درسی تعلیم و تربیت هر دولت و گفتمان حاکم در عرصه جهانی قادر به القاء اهداف محافظه کارانه و بازتولید قدرت خود نخواهد بود.

گی<sup>۱</sup> (1996) بین یادگیری و اکتساب تمایز قائل شده و معتقد است که یادگیری فرایندی است که در آن دانش به صورت آگاهانه از طریق تحلیل و تفسیر از آن یادگیرنده می‌شود در صورتی که اکتساب در معرض آموزش یک طرفه قرار گرفتن است. از این رو یادگیری به عنوان پدیده انتقال اجتماعی باید همراه با آگاهی و نقد باشد و استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی یکی از روش‌های عملی کردن چنین دیدگاهی است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در عصری که جامعه علمی به صورت یکپارچه به پیشبرد علوم کمک می‌کنند و دیگر مرز جغرافیایی معنای خود را در این زمینه از دست داده است، در دوره‌ای که هر دولتی نظام آموزش و پرورش را به عنوان بهترین نهاد برای بازتولید فرهنگ و قدرت مورد تاکید قرار می‌دهد و در این میان ابزار برقراری ارتباط زبان است، طبیعی است گروه‌های مسلط، اهداف خود را از طریق زبان محقق می‌سازند. به وجود آمدن رویکردهای مختلف در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی خود گویای اهمیت این بحث در حوزه‌های مختلف دانشی است. نباید فراموش کنیم که بسیاری از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت از اهمیت کاربردی زبان بی‌اطلاعند و ناخودآگاه به تثبیت فرهنگ گروه مسلط از طریق نظام آموزشی یاری رسانند. نکته قابل ذکر در کاربرد این رویکرد آن است، همان‌طور که ذکر شد، به لحاظ وجود سوگیری ذاتی و آگاهانه در آن نمی‌توان از این رویکرد به عنوان رویکرد غالب در حوزه تعلیم و تربیت بهره‌مند شد، بلکه باید روشی در کنار روش‌های تحقیق مورد استفاده قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، فلسفه تعلیم و تربیت، بازتولید قدرت، تربیت عقلانی.

<sup>1</sup>. Gee



## منابع

- 1- آقا گل زاده، فردوس (1390). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- 2- آقاگل زاده فردوس، غیاثیان مریم سادات (1386) رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، نشریه زبان و زبان‌شناسی بهار و تابستان 1386.
- 3- Gee.J.P. (2008) *Social Linguistics and Literacies : Ideology in Discourses*. Taylor & Francis.
- 4- Rogers. Rebecca.2004. *An Introduction To Critical Discourse Analysis In Education*. Lawrence Erlbaum Associates. Publishers Mahwah. New Jersey
- 5- van Dijk. T. (1985). Introduction: discourse as a new cross-discipline. In T. van Dijk (Ed.), *Handbook of Discourse Analysis, Vol. 1: Disciplines of Discourse*. New York: Academic Press. 1-10
- 6- van Dijk. T. A. (1988). *News Analysis. Case Studies of International and National News in the Press* Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- 7- Wodak. R. (1995). Critical Linguistics and Critical Discourse Analysis. In J. Verschuren, J. Ola-Osman, & J. Blommaert (Eds.), *Handbook of Pragmatics-Manual*. (204-210) Amsterdam: John Benjamins.